

شهیده سیده معصومه رفاہی



نام پدر	سید اسماعیل
تاریخ تولد	۱۳۶۰
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۸/۱۱/۲۲
محل شهادت	بوشهر
مسئولیت	—
نوع عضویت	بسیجی
شغل	دانش آموز
تحصیلات	
مدفن	بوشهر

زندگینامه

جلیق جلیق گهواره

بهار شصت بود. به جای آواز شادی و شیدایی پرندگان و گنجشکان، نوای سهمگین ناله و شیون برخی خانهها، فضا را پر کرده بود؛ نالههایی که در سوگ فراق عزیزانشان سر میدادند و موجب قطور شدن کتاب «تاریخ ناجوانمردانهترین جنگ» میگشتند. از برخی دیگر نیز، صدای گریه و زاری کودکان به گوش میرسید که آمده بودند تا از عمق این سهمگینها بکاهند و فضا را لطیف و لطیفتر سازند.

دلبران سرشار از غم و اندوه بانویی بود که بار سنگین مصیبت کربلا، قامت نستوهش را خم کرده بود. با چشمانی اشکبار فریاد میزدیم: «در بهار آزادی جای امام و شهدا خالی» و دیگر شعارهایی که سینههای پر دردمان را کمی التیام میداد. گویی گدازهای آتش بود که از سینهها به سمت دشمن پرتاب میشد. جنگ و ویرانیها، یتیمی و بیخانمانیها، ویرانی و آوارگیها، هیچ کدام اراده، ایمان و اعتقاد مردم را سست نکرده بود. تا چشم کار میکرد، آدم آمده بود. پس از مدتی راهپیمایی، همه به در ورزشگاه رسیده بودیم، اما هنوز درها را باز نکرده بودند، بیرون ورزشگاه، جمعیت از شلوغی موج میزد و هیچ راه حرکت و تنفسی وجود نداشت. همین باعث شد درها را که باز کردند سیل خروشان جمعیت با شتاب فراوان به سمت در، هجومی بیامان ببرند؛ سیلی که موجهای آن با هر مد خویش تعدادی را به زیر دست و پای خود فرو میبردند و معصومه را نیز در زیر دست و پای خود، له کرد و به شهادت رساند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران